

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیااده‌سازی

شب بیست‌وهفتم ماه مبارک رمضان

شب بیست‌وهفتم ماه مبارک رمضان شب بسیار مقدّس و بزرگی است که اهل سنّت آن را شب قدر می‌دانند. شیعه آن را شب قدر به حساب نمی‌آورد؛ ولی شب فوق‌العاده و ویژه‌ای با خصوصیات خاصّ خود می‌شمارد که باید قدر آن را دانست.

دعایی کوتاه ولی بسیار عمیق از امام سجاد روایت شده است که حضرت در شب بیست‌وهفتم از ابتدای شب تا به صبح، بارها تکرار می‌کردند. این دعا سه جمله است؛ امّا دریایی از معارف در آن وجود دارد. **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَّ عَنِ الدَّارِ الْغُرُورِ**؛ خدایا به من روزی کن از این دار غرور پهلوی خالی کنم. حمّالی این خانه‌ی دروغین را نکنم و تن زیر بار این خانه‌ی پلید ندهم. دنیا دارالغرور و سرای فریب است. انسان را گول می‌زند. نیست؛ امّا خود را هست نشان می‌دهد. به سراب می‌ماند که از دور آب می‌نماید؛ امّا درحقیقت هیچ نیست؛ سایه و توهم است. قرآن کریم فرمود: **كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً**^۱؛ مثل سرابی در یک دشت گسترده‌ی تفتیده که تشنه‌کام از دور آن را آب می‌پندارد؛ امّا وقتی بعد از تقلّاهای بسیار به آن می‌رسد، **لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا** می‌بیند هیچ چیز نیست. دنیا از دور نمود و جلوه‌ای دارد؛ امّا حقیقتش نیست صرف است. انسان تا غافل است و از دور به سراب نگاه می‌کند، هیچ تفاوتی با آب نمی‌بیند و به یقین مطمئن می‌شود آب است. تا وقتی انسان در خواب رؤیا می‌بیند، ذره‌ای

^۱. سیّدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۴۰۲؛ محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال، شب بیست‌وهفتم ماه رمضان.

^۲. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۹.

تردید ندارد که آنچه می‌بیند، عین واقعیت است. وقتی آن فرد به سراب نزدیک شد و آن به خواب‌رفته بیدار شد، هیچ اثری از آنچه می‌دید باقی نمی‌ماند.

به اقتدای امام سجّاد از خدا بخواهیم به ما توفیق دهد دیگر پهلو زیر بار دنیا ندهیم. دیگر بس است! هرچه حمّالی دنیا را کردیم؛ هرچه دنبال دنیا و جلوه‌های دنیا دویدیم؛ از پول و ثروت، نام و شهرت، پست و مقام، لذّت و شهوت، منیّت‌های خودمان، بس است! دیگر دنبال دنیا نرویم.^۳

وَ الْإِنَابَةَ إِلَىٰ دَارِ الْخُلُودِ؛ خدایا به ما روزی کن که به خانه‌ی جاودانگی و حقیقت ماندگار هستی روی آوریم؛ به آن هست پایدار، آنجا که بویی از نیستی در آن نیست؛ دار القرار و دار البقاء است. خدایا چنان کن که رویکردمان به سمت آخرت و حقایق ماندگار عالم باشد و این جلوه‌های فریبنده ما را بی‌راه نکند. حقایق گرانبها و گوهرهای ارزشمند عالم هستی هدف ما شود. آن عرصه‌ای که خدای متعال در آن تجلّی تام می‌کند، عرصه‌ی قیامت، جهت‌گیری و آرمان ما باشد. به باطن راه پیدا کنیم؛ به باطنی که حقیقت است؛ نه این ظاهری که فریبنده و دروغین است. به هرچه ماندگار است روی آوریم و از هرچه گذراست، بگذریم. لفظ گذرا هم با ارفاق و تسامح است. دنیا نیست؛ نه اینکه هست و روزی می‌گذرد و از بین می‌رود. **كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ**؛^۴ نفرمود فانی خواهد شد؛ هم‌اکنون فانی است. هم موت و هم فنا اکنون وجود دارد. همین الآن در موتیم، امّا حواسمان پرت است؛ خوابیم و نمی‌بینیم. خداوند به پیامبرش فرمود: **إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ**؛^۵ نفرمود در آینده خواهی مرد؛ بلکه اکنون مرده‌ای؛ دیگران هم مرده‌اند؛ ولی موت را در وجود خود پیدا نکردند. به همین ترتیب **كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ**، یعنی همه‌چیز در این عالم، همین الآن فانی است و هستی ندارد. این جنبه‌های ناپایدار فقط نمود و جلوه‌ای دارند؛ وجودی ندارند. خدایا به ما روزی کن، فریب این جلوه‌ها را نخوریم و به آن هست پایدار و

^۳ نگاه کنید به: طیب، شرح مصباح‌الهدی، مبحث دنیا و آخرت.

^۴ سوره‌ی الرّحمن، آیه‌ی ۲۶.

^۵ سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۰.

جاودان رو کنیم؛ به آنچه واقعاً هست؛ **وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ**؛ تنها وجه پروردگارت که دارای جلال و اکرام است، باقی است. آن هستی که نیست به آن راه ندارد. دنیا، نیستی است که اصلاً هست به آن راه ندارد. و راه بین دنیا و آخرت، برزخ، آمیزه‌ای از هست و نیست است. دنیا، نیستِ صرف و آخرت، هستِ صرف است. خدایا به ما توفیق ده هدفمان را، آن هستِ صرف و پایدار، آن هستِ جاودان و باقی قرار دهیم؛ نه این جلوه‌ی فانی و هیچ محض.

وَ الْإِسْتِعَادَةَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ خُلُوقِ الْفُوتِ؛ خدایا به ما روزی کن پیش از آنکه فوت ما فرارسد، آمادگی موت پیدا کنیم. موت غیر فوت است. موت، قطع تعلق از دنیا و دامن برچیدن از دنیاست. اما فوت، همان مرگی است که دست و پاهای شخص را رو به قبله دراز می‌کند و جنازه‌اش را دفن می‌کنند. موت قطع دلبستگی از دنیا و خیره نبودن بر این جلوه‌ی ناپایدار است. نگاه برداشتن از دنیا و دل شستن از محبت دنیاست. خدایا استعداد موت را روزی ما کن؛ مثل غافلان مومتان، هنگام فوت فرانسد. غافلان به موت اضطراری نائل می‌شوند؛ یعنی تا زنده‌اند، دل از این معشوقه‌ی طناز دنیا نمی‌کنند. این معشوقه‌ی پیر فرتوت، با مشاطه‌گری و آرایش سحرآمیز، چهره‌ی زشت و کریه خود را آراسته و به صورت یک نوعروس جوان دلربا درآورده است؛ والا باطن دنیا، بسیار زشت و پلید است. اکثریت مردم که همین جلوه‌ی ظاهری را می‌بینند، گول آرایش و تزئین دنیا را می‌خورند و تا زنده‌اند، دل از محبت دنیا نمی‌شویند؛ تا اینکه بالأخره حضرت عزرائیل برسد و آنان را به زور از آغوش این معشوقه بیرون کشد و به موت اضطراری نائل شوند. این متعلق به اکثریت خلق است که غافلند. اما اقلیتی که به زشتی این عجوزه و عفریته و دیو وحشتناک، پی بردند و دانستند زیبایی و جذآبیت او حقیقتی ندارد، با اختیار از آغوش او بیرون آمدند. آنان به پست و مقام، نام و شهرت، لذت و شهوت و تمام این چیزهای خیالی دل نمی‌بازند؛ درمی‌یابند که دنیا نیست، و با سحر، خود را هست جلوه می‌دهد؛ پس درحالی که زنده هستند، دل از محبت دنیا می‌شویند و به موت نائل می‌شوند.

تعلق حجاب است و بی‌حاصلی چو پیوندها بگسلی، واصلی

۶. سوره‌ی الرّحمن، آیه‌ی ۲۷.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هرچه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است

از دلبستگی به هرچه زیر این آسمان کبود است، آزاد می‌شوند و به موت اختیاری نائل می‌شوند.

به اختیار نمیرند، مردم بی‌عشق تو زنده کرده‌ی عشقی، به اختیار بمیر

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا**^۷؛ قبل از آنکه به اضطرار و اجبار، شما را به موت نائل کنند؛ با اختیار از موت استقبال کنید؛ و استعداد موت در خود ایجاد کنید. یعنی دلبستگی و چسبندگی به دنیا از بین برود؛ نه اینکه بمیریم. چرا مرگ و جدا شدن از دنیا سخت و دردناک است؟ چون به دنیا چسبیده‌ایم، جدا شدنمان دردناک و وحشتناک می‌شود. گفتیم مثل چسب زخمی که به قسمتی از پوست بدن که مو دارد، چسبیده است. وقتی می‌خواهند این چسب را بکنند، با هر تکان چندین مو از ریشه کنده می‌شود. انسانی که ذره ذره و سلول سلول وجودش به دنیا چسبیده، وقتی می‌خواهند همه‌ی وجودش را از دنیا بکنند چه درد وحشتناکی دارد! سختی جان دادن به دلیل دلبستگی به دنیا و محبت دنیا است.

دست‌آورد اجابت این دعا بسیار عظیم است. انسانی که فریب طنازی دنیا را نخورده و از محبت دنیا دل کنده است، به جنبه‌ی وجه‌اللّهی عالم رو کرده و استعداد موت دارد، انسان بسیار موقّق و بزرگی است و جدا شدنش از دنیا بسیار راحت است. مطابق روایات، فرشته‌ای با دو شاخ ریحان می‌آید و گل‌های معطر بهشتی را جلوی بینی مؤمن می‌گیرد، همین‌که عطر آن را می‌بوید، روح از بدنش جدا می‌شود؛ به همین راحتی! جان دادن برای عاشقان دنیا بسیار دردناک، ولی برای مؤمنانی که استعداد موت دارند، آسان و لذت‌بخش است.

دعای شب بیست‌وهفتم ماه مبارک رمضان را به تبعیت از امام سجّاد از سر شب تا به صبح تکرار کنیم و از خدا بخواهیم سه خواسته‌ی بزرگ امام سجّاد را درمورد همه‌ی ما اجابت فرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۷ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵۹؛ فیض کاشانی، وافی، ج ۴، ص ۴۱۱.